

حمایت موثر دولتمرد ایرانی از کشاورزی آمریکا

محمد حسین کریمی پور

عضو هیات امنای انجمن پسته

می کنند ایران درگیر تحریم است پس دیگر به هیچ وجه تامین کننده مناسب و قابل اتکای پسته نیست. مجاهدت پسته کاران و صادر کنندگان ایرانی در به دندان کشیدن این محصول تا مقصد در غیاب دسترسی به منابع فاینانس و بیمه متعارف و بازگرداندن ارز واصله از پیچ و خم خطرناک زنجیره ای از بانکهای متفرقه و صرافان جورواجور، مانع اثبات این ادعای ضد ایرانی شد.

جگر ایرانی شریف پاره می شود وقتی می بیند مصوبه دولت خودمان (اگرچه ۲۴ ساعت بعد لغو شده باشد)، آنچه را که کالیفرنیا بیها نوانستند در ماهها تلاش حاصل کنند، یکشنبه به اثبات رساند. در طی همان ۲۴ ساعت، صادر کننده پسته ای را نمی یافتید که ایمیل اعتراض و اخطار بی اعتباری از مشتریان وحشت زده خود دریافت نکرده باشد.

اعتبار تجاری یک کشور در طول سالها با ممارست و هزینه حاصل می آید. اما یک تصمیم عجولانه می تواند آنرا در یک شب به باد دهد. فرض کنید چین فردا اعلام کند صادرات فولاد را به مدت ۶ ماه متوقف می کند و به قراردادهای موجود هم احترام نمی گذارد! اعتبار چین در روز قبل و بعد از این اعلان چقدر با هم فرق دارد؟ اگرچه یکی دو روز بعد این مصوبه شوم لغو شد، آثار نامبارک آن تا مدتها گریبان پسته ایران را رها نخواهد کرد.

دشمنی غربیها به جامعه تولید و تجارت ایران اسلامی طبیعی و قابل فهم است، اما دریافت ضربات مرگبار از مسئول عزیز داخلی قابل هضم نیست.... بعضی افراد در دولت با کم توجهی به پیچیدگیهای اقتصاد کشاورزی و اخذ تصمیمات شتاب زده، ضربات اساسی به کشاورزان و به کشور وارد می کنند. نه حرف وزارتخانه های تخصصی را گوش می کنند نه حرف تشکل ها و خبرگان را! مجموعه تدابیر همانها ایران خودکفا در گندم را دوباره به صدر واردکنندگان جهانی گندم باز گرداند. همانهایی که اصرار داشتند گندم مرغوب داخلی را از کشاورز خراسان و فارس و زنجان یک ریال بالای ۴۲۰۰ ریال نخرند، کشور را در وضعی قرار دادند که امسال مجبور به خرید حداقل ۶ میلیون تن گندم به بهای متوسط ۳۳۰ دلار در تن شود. اگر قیمت موثر دلار را در ایران (بر اساس محاسبات رییس جمهور در سخنرانی اخیرشان در جزیره سیری) فقط ۲۷۰۰۰ ریال فرض کنیم یعنی خرید گندم از کشاورز استرالیایی و کانادایی و هندی به قیمت ۸۹۰۰ ریال صورت گرفته که بیش از دو برابر پرداختی به زارع ایرانی است. این یعنی حمایت دولت ما از کشاورزان جهان به ضرر کشاورز فلک زده متحیر ایرانی!!

دولت اگر می خواست قیمت پسته شب عید را پایین آورد کافی بود با یک اقدام معمول تنظیمی، برای توزیع ۳ هزار تن پسته، کیلویی ۵ هزار تومان سوبسید تعیین می کرد که برای کشور ۱۵ میلیارد تومان معادل ۵ میلیون دلار هزینه داشت. ابلاغیه نهضت دن کیشوتی تحریم ششماهه پسته ایران (بخوانید تحریم ۴۰۰ میلیون دلاری ایران علیه صادرات ایرانی) غیر منطقی ترین راهکار اقتصادی بود که ممکن است به ذهن کسی برسد. برادر دولتمرد! خسته نباشید!

فرصت شغلی ایجاد می کند. از دید توزیع عادلانه ثروت و ثبات اجتماعی، با بازگشت حدود ۹۷ درصد بهای پسته به کشاورز، خدماتچی، حمل و نقل و سایر فعالان اقتصاد واقعی در شبکه ای مویرگی و گسترده، هر دلار پسته دهها برابر یک دلار نفت سبب ارتقای واقعی استاندارد زندگی مردم است.

از سوی دیگر در کشور ما حجم تولید پسته، بسته به سال و شرایط جوی حدود ۱۲۰ الی ۲۸۰ هزار تن است. مصرف داخلی در سالهای وفور و ارزانی به زحمت به ۳۰ هزار تن می رسد و در سالهای گرانی و کمیابی به کمتر از ۲۰ هزار تن سقوط می کند. یعنی حداکثر ۱۵ درصد پسته تولیدی کشور در داخل مصرف می شود. اگر بگوییم ۸۵ درصد پسته ایران صادر می شود، گزافه نگفته ایم. پسته در ایران مثل نفت در عربستان یا مس در شیلی یا سویا در برزیل یک کالای اساسا صادراتی متصل به بازار جهانی است. این است که قیمت بازار پسته مستقیما به قیمت ارزی جهانی آن متصل است. این وابستگی نرخ پسته به نرخ ارزی جهانی نه نقطه ضعف است و نه حاصل توطئه دلالان سودجو! این خصلت ذاتی هر کالای صادراتی جدی است. تقریبا نصف مصرف داخلی در ماههای دی و بهمن در سطح تجاری و در ماههای بهمن و اسفند در سطح خرده فروشی، فروخته می شود. یعنی حد اکثر مصرف شب عید ایران، کمتر از ۱۰ هزار تن در سال گرانی شدید و ۲۰ هزار تن در سال ارزانی مفرط است. ایران در آستانه انقلاب، حاکم بلامنازع تجارت جهانی پسته و تولید کننده اول دنیا بود. در سال انقلاب، تولید آمریکا معادل فقط ۲ درصد پسته ایران بود. متأسفانه با توسعه پسته کاری مدرن در آمریکا، کار به جایی رسید که در سه چهار سال اخیر، آمریکا همواره تولید کننده اول جهان شده است. پسته ایران دست در گریبان بحران آب، کوچکی باغات، ضعف مدیریت عالی بخش، ضعف تحقیقات و ساختار سنتی تولید در جدال مرگ و زندگی در مقابل پسته کاری مدرن و شکوفای کالیفرنیا ایستاده است. البته پسته ایران بشرط برنامه ریزی مناسب، نقاط قوت جدی برای حفظ بازار دارد. طعم مطبوعتر، تنوع واریته ها، قابلیت برشتگی در حرارت بالا و درصد مغز بالا از این جمله است.

در این شرایط، دولت عزیز ما برای آنکه قیمت فروش تنها ۷ درصد حجم محصول را برای مصرف شب عید پایین آورد، اعلام رسانه ای می کند که صادرات پسته برای ۶ ماه ممنوع است. اطلاعات من نشان می دهد که کارشناسان وزارت صنعت، جهاد کشاورزی و سازمان توسعه تجارت با این خودزنی تجاری پر هزینه برای وصول به مقاصد گیشه پسندانه کم ارزش، همراه نبوده اند. این تصمیم عجیب حاصل تصمیم آبی در فضایی است که کارشناسی بها و ارجی ندارد. این مصوبه حتی اگر اجرایی می شد، بنا بعللی که تشریح آن در این مقال نمی گنجند، روی قیمت شب عید تاثیر خاصی نمی گذاشت. تنها یکی از دلایل آنکه، عملا نقل و انتقال پسته شب عید در سطح محمولات بزرگ تجاری در اوایل اسفند ماه، تمام شده است!

برخی امریکاییها دو سال است که در بازار جهانی تبلیغ

صادرات داریم تا صادرات!

صادرات کشور را می توان به سه بخش تقسیم کرد که سهم هر یک در سال ۹۰ بشرح ذیل بود:

اول. صادرات نفت خام که برای سیاه اقتصاد دولتی ایران و منشاء ائتلاف گسترده سرمایه بین نسلی کشور است. در سال ۹۰، حجم این صادرات ۱۱۰ میلیارد دلار بود. این بخش صادرات ایران، هدف اصلی تحریم گسترده و جدی است. نه تنها حجم آن در سال ۹۱ نسبت به سال ۹۰ کاهش جدی خواهد داشت، بلکه ارز حاصله قابل انتقال و مصرف بانکی نخواهد بود!

دوم. صادرات مواد نفت پایه یا معدن پایه که توسط بنگاههای دولتی، شبه دولتی و خصوصی تولید شده اند. میعانات گازی، پتروشیمی، مس، فولاد و مواد معدنی مهمترین آنها هستند. گرچه در اینجا تولید ارزش افزوده صورت می پذیرد اما سطح نازلی از بهره وری بر فرایند سرمایه گذاری، ایجاد صنایع و راهبری آنها حاکم است. ریخت و پاش ها، سازمانهای اداری سنگین و کند، تراکم نیروی انسانی و مدیران غیر متخصص انتصابی شاخصه غالب این واحدها است. قدرت رقابت آنها غالبا متکی به دریافت ارزان منابع زیرزمینی کشور و انواع سوبسیدها و رانت های پنهان و آشکارست. گاهی هزینه واقعی فعالیت این واحدها بر منافعتشان برای کشور می چربد. حدود ۳۰ میلیارد دلار از صادرات، از چنین تولیداتی است. این بخش صادرات ایران نیز چه در پتروشیمی و مشتقات و چه بعلت ماهیت دولتی بنگاههای تولیدی، در گیر انواع تحریم است و دوران مضایق و افول آن آغاز شده است.

سوم. صادرات واقعا غیر نفتی و غیر دولتی که سهم کوچکی از صادرات کشور را به خود اختصاص می دهد ولی نقطه امید اقتصاد ملی برای جذب ارز در شرایط تحریم و ایجاد اشتغال است. کمتر از ۱۲ میلیارد دلار از ارز حاصله کشور از این محل است که ثمره حضور بنگاههای غیر دولتی غیر خصوصی در صادرات غیر نفتی کشورست. غالبا این تولید رابطه انگلی با بیت المال نداشته و رقابتی تر از سایر بخشهای اقتصاد دولتی است. آمار ده ماهه ۹۱، نشانگر پتانسیل رشد این بخش علیرغم فشار تحریمی است. نسبت به دو بخش قبلی، این بخش درگیری کمتری در تحریم دارد.

لا بد خواننده انتظار دارد دولت با جدیت و حساسیت و دور اندیشی، شب و روز در اندیشه حفظ و حراست بلکه توسعه اقلام صادراتی بخش سوم باشد. متأسفانه این انتظار با واقعیت منطبق نیست.

جایگاه پسته در صادرات

در بخش مهم و سرنوشت ساز سوم، سال گذشته پسته با ارزش کل ۸۰۰ میلیون دلار و سهم نزدیک ۷ درصدی، در مقام اول بود. این تولید به گزارش وزارت جهاد کشاورزی منبع اول درآمد حداقل ۱۵۰ هزار خانواده روستایی ایران در کرمان، یزد، خراسان، فارس، قم، تهران، قزوین و... است. یعنی رگ حیات حداقل ۷۵۰ هزار ایرانی به ادامه رونق پسته بسته است. هر دلار صادراتی پسته بیست برابر یک دلار صادراتی پتروشیمی